

## بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر خشونت خانوادگی نسبت به دختران نوجوان (مورد مطالعه: دبیرستان های دخترانه شهر اهواز)

محمود یعقوبی دوست<sup>1</sup>  
دکتر حلیمه عنایت<sup>2</sup>

### چکیده

این پژوهش باهدف بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر خشونت خانوادگی نسبت به دختران نوجوان در شهر اهواز اجرا گردیده است. و از نوع پیمایشی می باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر نوجوان مقطع دبیرستان شهر اهواز و والدین آنها بوده است که با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای تعداد 384 نفر آنها به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. در این پژوهش از چهار پرسشنامه "کودک آزاری و ضربه (CTQ) برنستاین (1995)، مقیاس پایگاه اجتماعی-اقتصادی والدین (SES) دانکن، انزوای اجتماعی راسل (UCLA) 1976، مقیاس حمایت عاطفی ادراک شده (MSPSS) زیمت و همکاران (1998) به عنوان ابزار سنجش استفاده گردید. برای تجزیه و تحلیل داده ها از شاخص های آماری، انحراف استاندارد، آزمون t، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد. براساس یافته های این پژوهش بین متغیرهای "انزوای اجتماعی، حمایت اجتماعی عاطفی ادراک شده، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و جمعیت خانوار" با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران نوجوان رابطه معناداری وجود دارد. و نتایج بدست آمده از رگرسیون چند گانه نیز نشان دادند که متغیر انزوای اجتماعی بیش ترین تأثیر را نسبت به متغیرهای دیگر پژوهش، برای پیش بینی بالای متغیر وابسته داشته است. با توجه به یافته های موجود تحقیق حاضر، این مسأله نیازمند توجه هر چه بیشتر خانواده ها و مسؤولان جهت پیشگیری، کنترل و کاهش تبعات منفی آن را در سطح خانواده و جامعه نشان می دهد.

### واژه های کلیدی:

خشونت خانگی نسبت به فرزندان، انزوای اجتماعی، حمایت عاطفی ادراک شده، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، جمعیت خانوار، دختران نوجوان

<sup>1</sup> دانشجوی دکتری جامعه شناسی (نویسنده مسئول مقاله) [m\\_4162004@yahoo.com](mailto:m_4162004@yahoo.com)

<sup>2</sup> عضو هیات علمی (دانشیار) دانشگاه شیراز، گروه جامعه شناسی، فارس-ایران [Henayat@rose.shirazu.ac.ir](mailto:Henayat@rose.shirazu.ac.ir)

## مقدمه

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی در جوامع انسانی نهاد خانواده است که تکوین و پرورش شخصیت افراد در آن شکل می‌گیرد (فرجاد، 1377: 44)، و به منزله زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بوده است. پرداختن به این بنای مقدس و بنیادین، و حمایت از آن و هدایتش به جایگاهی واقعی و متعالی، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی، و غفلت از آن موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی است.

اهمیت خانواده از این روست که نه تنها محیطی مناسبی برای همسران است بلکه وظیفه‌ی جامعه‌پذیری و تربیت نسل‌های آتی را نیز برعهده دارد. در حال حاضر خانواده‌ها دچار انواع آسیب‌پذیری و بحران هستند که برخی از آنها عبارتند از: طلاق، اختلاف و تضادهای زناشویی، بدرفتاری با افراد مسن، خودکشی، کودک‌آزاری<sup>1</sup>، فرارکودکان، خشونت خانگی.

خشونت خانگی<sup>2</sup> یک بلای جهانی است که پیکر خانواده و جامعه را تخریب و سلامتی افراد را تهدید می‌کند و شمار بسیاری را مجروح و دچار مشکلات جسمی، جنسی، و روانی می‌گرداند (سجادی فر، 1381: 11). این خشونت در محیط خصوصی رخ می‌دهد و معمولاً زنان و کودکان قربانیان طراز اول آن به شمار می‌روند (اسفندآبادی و امامی‌پور، 1382).

خشونت خانوادگی را می‌توان مجموعه‌ای از رفتارها معرفی کرد که فرد برای کنترل رفتارها و احساسات فرد دیگر بدان‌ها متوسل می‌شود (پورنقاش تهرانی، 1384: 24). شکست‌ورگنلی<sup>3</sup> (1995) با ارائه تعریفی جامع و کامل از خشونت خانوادگی، آن را عبارت از «رفتارهای هجومی و سرکوب‌گرانه، از جمله حملات فیزیکی (جسمی)، جنسی و روانی و همچنین اعمال فشار اقتصادی توسط هر فرد بالغ و جوان نسبت به فردی که با او ارتباط نزدیک و تنگاتنگ دارد» می‌دانند.

<sup>1</sup> -Child abuse

<sup>2</sup> -Domestic violence

<sup>3</sup> -S.schehcter& D Ganley

خشونت‌های خانوادگی چندین زیر گروه مجزا از قبیل کودک آزاری (جسمی)<sup>1</sup> و جنسی،<sup>2</sup> عاطفی<sup>3</sup> و غفلت<sup>4</sup> همسر آزاری<sup>5</sup> و سالمند آزاری<sup>6</sup> دارد.

خشونت علیه کودکان مشکل میلیون‌ها کودک و خانواده است و در هر جامعه‌ای رخ می‌دهد و اثرات آن روی کودکان از هر نژاد، رنگ، طبقه اجتماعی و مذهب چشمگیر است و آثار آن در تمام دوره رشدی فرد وجود دارد. ولی مشاهده می‌شود که تحقیقات صورت گرفته در خصوص آن در مراحل ابتدایی می‌باشد و حتی گزارش‌های مربوط به آن کامل نیست و بسیاری از موارد گزارش نمی‌شوند، به همین دلیل آمار و ارقام واقعی بیش از موارد گزارش شده است. علت این مسأله آن است که اعتقادات و نگرش‌های افراد نسبت به آزار کودکان متفاوت است و والدین نیز از ترس پی‌گیری‌های قانونی این موارد را گزارش نمی‌کنند و کودکان نیز ممکن است وجود این خشونت‌ها را طبیعی بدانند و یا این‌که به دلیل حس وفاداری نسبت به والدین و نیز به واسطه سن کم، قادر به بیان موضوع نباشند (مارواستی<sup>7</sup>، 2000؛ ایستیونسون، 1989، شر و همکاران، 2004). طبق آمار سازمان بهداشت جهانی<sup>8</sup> در سال (2005) چهار میلیون کودک در سراسر جهان در معرض انواع کودک آزاری قرار گرفته‌اند. یونیسف<sup>9</sup> نیز در همین سال طی گزارشی از کشته شدن 3500 کودک در اثر خشونت فیزیکی و غفلت خبر داده است، آمارهای مختلف حتی در کشورهای پیشرفته تخمینی است و موارد واقعی همیشه بیشتر از آمارهای رسمی بوده است. در هر حال کودک آزاری از هر نوعی که باشد در هر جامعه‌ای ناپسند است و در بسیاری از کشورها جرم تلقی می‌شود و عواقب قانونی دارد (خوشای، 1382:131) (براون، 1998:1065)<sup>10</sup>.

<sup>1</sup>-Physical child Abuse

<sup>2</sup>-Sexual child abuse

<sup>3</sup>- Emotional

<sup>4</sup>-Neglect

<sup>5</sup>-Spouse abuse

<sup>6</sup>-Elder abuse

<sup>7</sup>-Marvasti

<sup>8</sup>-The World Health Organization

<sup>9</sup>-UNICEF

<sup>10</sup>-Brown

در آمریکا، براساس گزارش آژانس‌های خدماتی- حمایتی کودکان<sup>1</sup> در سال 1995، روزانه در حدود 15 تا 1000 کودک زیر 18 سال قربانی سوءرفتار جسمی، سوءاستفاده جنسی یا غفلت (سهل‌انگاری) قرار گرفته بودند (مولر و همکاران، 2000: 450)<sup>2</sup>. عوامل زیادی در بروز خشونت نسبت به کودکان نقش دارند. والدین آزار دهنده، اغلب خود قربانی سوءرفتار جنسی و جسمی بوده‌اند. شرایط زندگی پراسترس نظیر تراکم و فقر، انزوای اجتماعی، فقدان نظام حمایتی و سوءمصرف مواد از سوی والدین، سطح استرس را در خانواده‌های آسیب‌پذیر بالا برده و احتمال رفتار خشن و مسامحه را در مورد کودکان افزایش می‌دهد (کاپلان و سادوک، 2003).

لئونارد<sup>3</sup> و جاکوب<sup>4</sup> (1988) نشان دادند که 40% بزرگسالانی که ملاک‌های مربوط به رفتارهای آزار جسمی کودک را از خود نشان داده بودند، مبتلا به اختلال مصرف دارو و الکل در زندگی‌شان بوده‌اند. باردی<sup>5</sup> و تارلی<sup>6</sup> (2001) نیز به ویژگی‌هایی مثل طبقه اجتماعی، بیکاری پدر و اعتیاد او در وقوع آزار اشاره کرده‌اند. میلنر<sup>7</sup> (1992) نشان داد که نمرات کودک‌آزاری به طور معناداری با دو عامل درآمد و سطح سواد والدین رابطه دارد. نتایج پژوهش خسروی افلاک‌فر (1375) بر روی 112 کودک که به بخش روان‌پزشکی اطفال مراجعه کرده بودند حاکی از آن است که وضعیت اقتصادی- اجتماعی ضعیف، انزوا و عدم حمایت اجتماعی، پایین بودن تحصیلات والدین، داشتن مشکلات یادگیری در کودکان، پایین بودن سن والدین و فرزند اول تا سوم بودن، با شیوع بالاتر کودک-آزاری ارتباط دارد ضمن آنکه شایع‌ترین نوع آزار، آزار جسمی و شایع‌ترین آزار جسمی، کتک شدید منجر به اختلالات جسمی می‌باشد.

آنچه این مسأله را در جوامع سنتی و در حال گذار برجسته تر می‌سازد آن است که به دلایل فرهنگی این کشورها، با وجود افزایش فراوانی و پیامدهای جدی این مسئله هنوز توجه و نگرانی عمده‌ای به آن جلب نشده است (دوکی، 2003: 165)<sup>8</sup>.

<sup>1</sup>-US Department of Health and Human Services

<sup>2</sup>-Muller, et al.

<sup>3</sup>-Leonard, K.E.

<sup>4</sup>-Jacob, T.

<sup>5</sup>- Bardi, M.

<sup>6</sup>-Tarli, S.M.

<sup>7</sup>- Milner, J.S.

<sup>8</sup>- Douki

در جامعه امروزی ایران به دلایلی چون نظام خانوادگی مردسالار و خرده فرهنگ های سنتی و عشایری، فقر، بیکاری، عدم بکارگیری شیوه های فرزندپروری صحیح، تحصیلات پایین، عدم حمایت های اجتماعی خانواده، افزایش طلاق، افزایش گرایش به مواد مخدر، جمعیت زیاد خانواده، کاهش میزان دینداری خانواده و موارد متعدد دیگر روز به روز خشونت خانگی علیه کودکان در حال افزایش است. و این عوامل موجب ظهور پیامدهای زبانباری در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی می گردد نظیر: رفتارهای پرخاشگرانه، اضطراب، عزت نفس پایین، بزهکاری، فرار از منزل، خودکشی، گرایش به مصرف مواد مخدر و آسیب های متعدد اجتماعی دیگر (محمد خانی، 1378: 144).

فقدان آمار دقیق در این زمینه در کشور ما به منزله این معضل و مشکل اجتماعی نیست، بلکه نشان از بی توجهی ما به این آسیب اجتماعی است. چراکه درج مطالب زیادی در جراید، گزارش های پزشکی قانونی، آمارهای منتشر شده از سوی انجمن حمایت از حقوق کودکان و بالاخره راه اندازی و توسعه خط کودک آزاری<sup>1</sup> توسط سازمان بهزیستی مبین این واقعیت تلخ است که این معضل اجتماعی به دلیل اینکه عمدتاً در محیط خانواده و از سوی اعضای خانواده و بستگان صورت می گیرد به صورت پنهان در جامعه ما رواج دارد و هر ساله از میان کودکان معصوم و بی گناه قربانی می گیرد. امروزه شدت آثار فردی، اجتماعی و خانوادگی خشونت علیه کودکان و آثار گسترده و وسیع آن بر افکار عمومی، ضرورت بررسی همه جانبه آن را به عنوان یک اولویت می تواند در دستور کار تصمیم گیرندگان اجتماعی، مسؤولان سلامت روان و پژوهشگران مسائل روانی - اجتماعی قرار دهد.

این پژوهش با هدف بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر خشونت خانوادگی نسبت به دختران نوجوان در شهر اهواز انجام شد. لذا توجه به این مسأله و ارائه راه حل های علمی و کاربردی می تواند در سلامت جامعه و خانواده نقش اساسی و تعیین کننده داشته باشد. در این راستا تمرکز اصلی پژوهش حاضر بر روی این سوال است که عوامل جامعه شناختی " انزوای اجتماعی، حمایت عاطفی ادراک شده، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، جمعیت خانوار " تا چه حد با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران نوجوان مرتبط هستند؟

<sup>1</sup> -hotline

با توجه به سؤال فوق، تحقیق حاضر به بررسی فرضیه های زیر می پردازد:

### فرضیات پژوهش

1. بین میزان انزوای اجتماعی با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه وجود دارد.
2. بین میزان حمایت اجتماعی عاطفی ادراک شده با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه وجود دارد.
3. بین وضعیت پایگاه اجتماعی - اقتصادی با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه وجود دارد.
4. بین جمعیت خانواده با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه وجود دارد.

### پیشینه تحقیق

نامداری (1378) در پژوهشی با عنوان " بررسی میزان شیوع سوءرفتار در دانش-آموزان دوره راهنمایی شهر خرم آباد و تعیین عوامل مؤثر بر آن " نشان داد که بین میزان انزوای اجتماعی و معاشرت خانواده با سوءرفتار جسمی و عاطفی ارتباط معنادار آماری وجود دارد. بدین ترتیب که در 79 نفر از 140 کودک آزار دیده جسمی (56/4 درصد) و 93 نفر از 220 کودک آزار دیده عاطفی (42/5 درصد)، معاشرت افراد خانواده کم و محدود گزارش شد. درحالی که در 85 درصد کودکانی که آزار جسمی را گزارش کرده بودند و همچنین 95 درصد اطفالی که آزار عاطفی را تجربه نکرده بودند. معاشرت خانوادگی به میزان کافی گزارش شده بود.

محمدخانی (1378)، در پژوهشی با عنوان " بررسی خود در زمینه‌ی وضعیت کودک آزاری در دانش‌آموزان پسر پایه دوم مقطع راهنمایی شهر تهران " 1443 نفر را مورد مطالعه قرارداد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که میزان شیوع کودک آزاری بین دانش-آموزان مورد مطالعه 3/9 درصد می‌باشد. در این مطالعه، بین سلامت عمومی والدین و سطح کیفیت زندگی آنها با نمره آزار رابطه‌ی معناداری به دست آمد. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که بالابودن بعد خانوار، تحصیلات پایین، افسردگی والدین، انزوای اجتماعی، فقدان حمایت اجتماعی والدین، شغل پدر، و خانه‌دار بودن مادر از دیگر عوامل مستعدکننده آزار کودکان است

تقی‌خانی (1381) در پژوهشی با عنوان " بررسی ویژگی‌های خانوادگی، اقتصادی - اجتماعی و روان‌شناختی 15 والد آزارگر و 15 کودک آزار دیده‌ی زیر 18 سال " دریافت اکثر این خانواده‌ها در جنوب شهر سکونت داشته، والدین دارای تحصیلات پایین و مشکلات عدیده‌ی اقتصادی بوده و بیشتر در مشاغل کارگری و خدماتی مشغول بودند. اکثر این والدین دارای سابقه‌ی بیماری روانی بودند و دچار فقدان حمایت اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی گشته و گوشه‌گیر و منزوی بودند. این والدین خود در دوران کودکی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و شاهد مشاجرات والدین‌شان بوده‌اند. این والدین در مواجهه با مشکلات دچار سردرد و میگرن شده و نشانگان جسمانی، اضطراب، کنش‌وری اجتماعی و افسردگی را آشکار می‌ساختند.

رقیه بهاری (1385) در پژوهشی با عنوان " بررسی عوامل مؤثر بر کودک آزاری جسمی کودکان دختر و پسر در مراکز مداخله در بحران شهر تهران " که بر روی 64 نفر از کودکان دختر و پسر با روش پیمایشی انجام گرفت. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که بین شبکه‌ی روابط اجتماعی و بروز کودک آزاری رابطه وجودی دارد و میزان این همبستگی 0/269 برآورد شد که در سطح 0/95 معنادار است. در مورد وضعیت سرپرستی نیز بین وضعیت سرپرستی و بروز کودک آزاری رابطه وجود دارد و میزان همبستگی آن 73% است که در سطح 99% معنادار است. رابطه‌ی قومیت مادر و کودک - آزاری رد شد، درحالی‌که رابطه‌ی میان قومیت پدر و کودک آزاری تأیید و میزان همبستگی آن 71% برآورد شد که در سطح 95% معنادار است.

صحبائی (1385) در پژوهشی با عنوان " رابطه عوامل خانوادگی، روانی و اجتماعی بر کودک آزاری در دبستان های دولتی دخترانه تهران " نشان داد که از نظر حمایت اجتماعی مادی و معنوی اعضای فامیل نسبت به افراد مورد مطالعه، بین خانواده دو گروه آزار دیده و آزار ندیده، تفاوت معناداری وجود دارد. به طوری که 56/7 درصد از اعضای فامیل، کودکان آزار دیده و 48/3 درصد از همسایگان آنان به هنگام بروز مشکل گاهی اوقات، خانواده این کودکان را مورد حمایت مادی یا معنوی قرار داده‌اند. این در حالی است که در بین کودکان آزار ندیده 50 درصد اعضای فامیل و 60 درصد همسایگان همیشه به هنگام بروز مشکل، خانواده‌های آنان را مورد حمایت مادی و معنوی قرار می‌داده‌اند.

خوشابی و همکاران (1386) در پژوهشی با عنوان "بررسی میزان شیوع کودک آزاری بر 1530 دانش آموز دوره راهنمایی شهر تهران" که با روش توصیفی انجام داده که نتایج آن نشان داد که شیوع آزار جسمانی خفیف 38/3 درصد، آزار جسمانی شدید 35/9 درصد، بی‌توجهی 20/5 درصد و آزار عاطفی 62/5 درصد است. همچنین رابطه‌ی معناداری میان جنسیت دانش‌آموزان، منطقه‌ی محل زندگی، تحصیلات والدین، شغل والدین و طلاق والدین، عدم حمایت اجتماعی و انزوای اجتماعی والدین با شیوع کودک آزاری وجود دارد. می‌توان گفت که شیوه کودک آزاری در حد بالایی است و این مسأله نیازمند توجه هرچه بیشتر مسؤولان جهت پیشگیری از تبعات منفی کودک آزاری است. میلر<sup>1</sup> (1981) در تحقیقات خود نشان می‌دهد "هرچند بدرفتاری با کودکان ممکن است در هر نوع خانواده در همه‌ی سطوح جامعه با وضعیت‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی رخ دهد ولی وقوع آن براساس گزارش‌ها، در طبقات پایین اقتصادی - اجتماعی بیشتر است (مدنی، 1383: 160).

موس<sup>2</sup> (1986) در تحقیقات خود نشان می‌دهد "که مرتکبان کودک‌آزاری، تضاد خانوادگی بیشتر، انسجام و روابط عاطفی کمتری را در خانواده خود گزارش دادند. در مقابل، خانواده‌های فاقد خشونت با ویژگی‌هایی چون شرکت در فعالیت‌های مفرح و لذت‌بخش، خانوادگی، روابط عاطفی و پافشاری بر حقوق شخصی مشخص می‌شوند (رایس و ریس، 1986: 71-83).

کولپ و همکارانش<sup>4</sup> (1989) در تحقیقات خود نشان می‌دهند "تفاوت‌های معناداری بین دوگروه مادران آزاردهنده و غیر آزار دهنده که به لحاظ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی همسان شده بودند، در نمرات مربوط به اعتماد به نفس و خود ارزشمند پنداری آنها دست یافتند (نوروزی، 1382: 142).

مک لوید<sup>5</sup> (1990) در تحقیق خود نشان داد "که مشکلات اقتصادی عموماً موجب تحریک‌پذیری والدین و رفتارهای خشن، آشفته و غیرحمایت‌کننده آنان در تربیت فرزندان می‌شود.

1- Miller

2- Mouse

3- Resick & Reese

4- Kulp & et al

5- McLoyd



میلنز<sup>1</sup> (1991) در تحقیقات خود "سه عامل را در تحقیق خود در ارتباط با فاکتورهای ارتباطی خانواده و تاثیر آنها بر کودک آزاری مطرح می‌کند: انزوای اجتماعی، تعاملات کودک و والدین و شیوه‌های فرزند پروری والدین. خانواده‌های کودکان آزار دیده معاشرت اجتماعی محدودی دارند و به این دلیل شبکه حمایتی خوبی ندارند و با فعالیتهای اجتماعی خارج از خانه زیاد درگیر نمی‌شوند. همچنین آنها در اقدامات تربیتی خود به منظور تربیت و نظم بخشی به کودک بیشتر از روشهای تنبیهی استفاده می‌کنند. بلسکی<sup>2</sup> (1993) در تحقیقات خود نشان می‌دهد "انزوا و محدودیت‌های اجتماعی والدین منجر به آزادی و بی‌توجهی نسبت به کودکان می‌شود؛ بدرفتاری والدین فقط به سبب انزوا و فقدان دسترسی به حمایت‌های اجتماعی غیررسمی نظیر دوستان و همسایگان نیست بلکه سازمان‌ها و نهادهای رسمی حمایت اجتماعی نیز در این زمینه اثرگذارند (بلسکی، 1993: 35). همچنین بررسی‌ها مؤید این مطلب است که والدین آزاررسان ارتباطات اجتماعی کمتری دارند، سطح مشارکت و عضویت آنها در گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی به نسب کمتر است و در فعالیتهای اجتماعی کمتر دخالت کرده، از منابع در دسترس جامعه استفاده نمی‌نمایند و ارتباط اجتماعی آنها ضعیف است (کروز و همکاران، 1990: 68)<sup>3</sup>.

پاویلانن و همکاران<sup>4</sup> (2000) در تحقیقات خود نشان دادند که "بین آزار و زندگی خانوادگی شامل ترس، فقر روابط پرخاشگری میان اعضای فقدان مراقبت، کمی فعالیت‌های خانوادگی و بحث و گفتگو و فقدان محبت رابطه معناداری به دست آمد" (پاویلانن، 2000: 241-235).

ویلیام جی و همکاران<sup>5</sup> (2006) در تحقیقات خود نشان می‌دهد "که تحصیلات پائین، فقر، بیکاری، اعتماد به نفس پایین، رفتارهای ضداجتماعی، فقدان حمایت‌های اجتماعی و انزوای اجتماعی والدین و همچنین همسرآزاری و سوءمصرف مواد توسط والدین از عوامل مؤثر بر کودک آزاری .

1 - Millnz

2 - Belsky

3 - Crose & et al

4 - Paavilainen

5 - William J. & et al

## مبانی نظری تحقیق

عمده ترین نظریه هایی که در جامعه شناسی به بررسی خشونت خانگی علیه فرزندان پرداخته است، شامل، نظریه، بی سازمانی اجتماعی<sup>1</sup>، دیدگاه قشر بندی اجتماعی<sup>2</sup>، نظریه ناکامی - پر خاشگری<sup>3</sup>، نظریه زیست محیطی<sup>4</sup>، نظریه منابع<sup>5</sup>، مدل محرومیت نسبی<sup>6</sup>، نظریه یادگیری اجتماعی<sup>7</sup>، دیدگاه منزلت های اجتماعی و اقتصادی<sup>8</sup>، نظریه های خرده فرهنگ خشونت<sup>9</sup> و البته چند نظریه دیگر می باشد.

از آنجایی که خشونت خانگی نسبت به فرزندان یک معلول چند علیتی است و هر نظریه از جنبه ای خاص آن را تبیین می کند، در پژوهش حاضر، تلفیقی از تئوریهای زیر به عنوان مبانی نظری استفاده گردیده است.

### نظریه تجربه ای خشونت خانوادگی<sup>10</sup> (انتقال بین نسلی): منطق نظری انتقال

بین نسلی، خشونت زوجین را بر نظریه ای یادگیری اجتماعی (یادگیری از طریق مشاهده و تقلید اعمال دیگر) متمرکز می سازد. بر اساس منطق این نظریه، افرادی که متوسل به خشونت علیه زنان شان می شوند در فرآیند اجتماعی شدن، در خانواده هایی بزرگ شده اند که شاهد به کارگیری خشونت از سوی والدین خود بوده اند. بعضی از مطالعات نشان دادند، کسانی که شاهد کتک کاری پدر علیه مادر خود در دوران کودکی بودند، متعاقباً در بزرگسالی، چنین الگوهایی را علیه همسرانشان به کار گرفتند (گلز، پاچلو، 1981؛ روزنباوم<sup>11</sup> و آلری<sup>12</sup>؛ کیسر<sup>13</sup>، 1988؛ اشتراوس و همکاران، 1980).

### نظریه زیست محیطی<sup>14</sup>: در نظریه ای «زیست محیطی بلکسی» (1980) نظام

خارجی خانواده یا ساختارهای رسمی و غیررسمی اجتماعی برای تبیین خشونت خانگی

<sup>1</sup> Corporate Social Theory-

<sup>2</sup> -Social stratification perspective

<sup>3</sup> - Frustration aggression theory

<sup>4</sup> - Ecological theory

<sup>5</sup> - Theory Resources

<sup>6</sup> - Model of relative deprivation

<sup>7</sup> - Social Learning Theory

<sup>8</sup> - Social status and economic perspectives

<sup>9</sup> - Theories of petty-culture of violence

<sup>10</sup> - Theory experiencing domestic violence

<sup>11</sup> -Rousenbaum

<sup>12</sup> -O'Leary

<sup>13</sup> -Caesar

<sup>14</sup> - Ecological theory

مهم دانسته شده است. منظور از نظام‌های خارجی، موقعیت‌های شغلی، گروه دوستان، سازمان‌های حمایتی و غیره است. براساس این نظریه، انزوای اجتماعی خانواده و حمایت‌های اجتماعی ادراک شده‌ی آنها از محیط خارجی از عوامل مؤثر در بروز خشونت علیه کودکان می‌باشد (اعزازی، 1380 : 85).

**نظریه یادگیری اجتماعی<sup>1</sup>:** طبق نظریه یادگیری اجتماعی بندورا<sup>2</sup> (1977) رفتار از دو طریق آموخته می‌شود: یا از طریق پاداش دادن به اعمال (یادگیری ابزاری) یا از طریق مشاهده‌ی آگاهانه یا تصادفی رفتار دیگران (مدل‌سازی). بنابراین کودکانی که از هر طریق می‌آموزند که خشن باشند، شاید الگوی آموخته شده را در دوران بزرگسالی نیز ادامه دهند. همچنین بندورا به دخالت شرایط زمینه‌ساز مانند تراکم جمعیت، آلودگی و غیره در پیدایش پرخاشگری اشاره دارد که از آن می‌توان در راستای تبیین نقش بعد خانوار در آزار کودکان بهره جست (همتی، 1382 : 75).

**نظریه منابع<sup>3</sup>:** براساس نظریه منابع ویلیام گود<sup>4</sup> (1985)، تمامی نظام‌های اجتماعی (از جمله خانواده) دارای نظام اقتداری است و هرکس که به منابع مهم خانواده بیشتر از دیگران دسترسی داشته باشد می‌تواند سایر اعضای را به فعالیت در جهت امیال خود وا دارد. مکانیزم اعمال قدرت باتوجه به سطح دسترسی افراد مقتدر به سایر منابع اعمال قدرت متفاوت و افراد بسیار قدرتمند خانواده، کمتر از دیگران به اعمال قدرت از طریق خشونت بدنی متوسل می‌شوند اما درمیان افرادی که دارای ضعف اقتصادی و اجتماعی هستند تنها منبع قدرت، زور بدنی و استفاده از آن است (اعزازی، 1380 : 81).

**نظریه‌های خرده فرهنگ خشونت<sup>5</sup>:** بر اساس نظریه‌ی خرده فرهنگ خشونت، هر فرهنگی و به تبع آن هر خرده فرهنگی دارای عناصر خاصی است و شامل ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و اعتقاداتی می‌باشد که ممکن است خشونت شوهران بر ضد زنان و کودکان خانواده را تأیید و تقویت کند یا مانع آن شود. در نتیجه، تعهد به این عناصر فرهنگی است که خشونت شوهران را در هر خانواده افزایش یا کاهش می‌دهد. بنابراین، بر اساس نظریه‌ی خرده فرهنگ خشونت، می‌توان برای تبیین خشونت خانگی در

<sup>1</sup> -Social Learning Theory

<sup>2</sup> -Bendura

<sup>3</sup> -Theory Resources

<sup>4</sup> -Good

<sup>5</sup> -Theories of petty-culture of violence

خانواده متغیرهایی مانند تعهد به اعتقادات دینی، شیوهی همسرگزینی، تعارض و مشاجره زناشویی و مداخله‌ی خویشاوندان را بررسی کرد (زنگنه، 1380: 42).

### دیدگاه منزلت‌های اجتماعی و اقتصادی<sup>1</sup>: دیدگاه منزلت‌های اجتماعی و

اقتصادی معتقد است که ارتکاب جرم با وضعیت اقتصادی جامعه و پایگاه اجتماعی- اقتصادی افراد ارتباط دارد. میزان جرم با برخی شاخص‌های اجتماعی- اقتصادی از جمله: میزان درآمد، نوع شغل، غیراستاندارد بودن وضعیت محیطی مسکن، اجاره‌نشینی، بی‌سوادی یا کم‌سوادی، تراکم بالای جمعیت، وجود اقلیت‌های قومی و بالا بودن نرخ متولدین خارجی ارتباط دارد. همچنین دیدگاه طبقه‌بندی واحدهای مسکونی معتقد است، میزان ارتکاب جرم توسط افراد اجاره‌نشین شهر بیشتر از مالکین واحدهای مسکونی است. به عبارتی، تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی بین افراد جامعه و از جمله نوع تصرف مسکن آن‌ها در ارتکاب عمل مجرمانه و خشونت آن‌ها مؤثر است (احمدی، 1384: 103).

نسخه دیگری از دیدگاه قشربندی اجتماعی، مدل محرومیت نسبی<sup>2</sup> خوانده می‌شود که بیشتر بر ابعاد جرم شناختی نابرابری اقتصادی- اجتماعی تأکید دارد تا بر فقر مطلق (بنگر<sup>3</sup>، 1916؛ مرتن<sup>4</sup>، 1938؛ بریت وایت<sup>5</sup>، 1979). ایده اساسی مورد تأکید در این دیدگاه، آن است که افراد موقعیت اقتصادی خود را در مقام مقایسه با دیگران ارزیابی می‌کنند و زمانی که افراد احساس کنند که دیگران منابع مطلوب بیشتری را در مقایسه با آنها در اختیار دارند، احساس محرومیت و تنفر، خشونت و عصبانیت در آنها پیدا می‌شود. این احساس محرومیت، به ویژه زمانی تشدید می‌گردد که افراد توزیع نابرابر منابع را ناعادلانه بدانند و خود را ناتوان از بهبود موقعیت اقتصادی- اجتماعی‌شان، احساس کنند. نتایج چندین تحقیق، ارتباط مورد انتظار میان محرومیت نسبی و جرم را تأیید کرده‌اند (پترسون و بیلی، 1988؛ هریر و استفن، 1992؛ مروا، 1966).

### نظریه ناکامی- پرخاشگری<sup>6</sup>: بر اساس نظریه ناکامی- پرخاشگری دلارد

(1941)، ناکامی و سرخوردگی ناشی از متوقف ساختن رفتار هدف‌جویانه، عامل پرخاشگری است. این خشونت ممکن است به منبع ناکامی یا به اهدافی که رابطه‌ای با

<sup>1</sup> -Social status and economic perspectives

<sup>2</sup> -Model of relative deprivation

<sup>3</sup> -Bunger

<sup>4</sup> -Merton

<sup>5</sup> -Braithwaite

<sup>6</sup> -Frustration and aggression theory

منبع اولیه ناکامی دارند معطوف گردد. این نظریه تأثیر ناکامی را بر میزان بروز پرخاشگری نسبت به کودکان به عنوان اهدافی که با منبع اولیه ناکامی رابطه دارند، نشان می‌دهد (کاپلان و سادوک، 1376: 276).

### روش پژوهش

این مطالعه از نوع پیمایشی و جامعه آماری آن شامل کلیه دانش آموزان دختر 14-18 سال، مقطع دبیرستان و والدین آنها در شهر اهواز در سال تحصیلی 92-93 بود. حجم نمونه 384 نفر بود که با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شد. در این تحقیق از شیوه ی نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شده است.

در این پژوهش پس از انتخاب مناطق 8 گانه آموزش و پرورش شهر اهواز، از هر منطقه 2 دبیرستان دخترانه و از هر دبیرستان 6 کلاس و در هر پایه 2 کلاس از دانش آموزان به صورت تصادفی انتخاب شده، و پرسشنامه کودک آزاری و ضربه بین آنها توزیع و جمع آوری گردید.

و در مرحله بعد واحدهای مسکونی والدین دانش آموزان که لیست هر منطقه و بلوک های آنها از قبل بصورت تصادفی انتخاب شده مشخص گردیده و پرسشنامه مورد نظر با توضیحات کامل پرسشگر، بین آنها توزیع و جمع آوری گردیده است.

برای اطمینان بیشتر از روایی و پایایی گویه‌های سنجش از دو روش استفاده شد. روش اول محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای گویه‌های تشکیل دهنده شیوه های فرزند پروری بوده است. نتایج این محاسبه نشان داد که ضریب آلفای شدت و محتوای آن در کل بالا بوده که نشانگر پایایی ابزار سنجش است.

روش دوم برای پی بردن به روایی و اعتبار گویه‌ها محاسبه ضریب همبستگی گویه‌های تشکیل دهنده شدت و محتوا با این متغیرها بوده است. نتایج بررسی‌ها نشان داد که بین هر کدام از گویه‌ها با شدت و محتوا همبستگی خیلی زیاد در سطح معناداری بالای 95% وجود دارد.

بعد از تکمیل پرسشنامه توسط پاسخگویان، داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد پردازش قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آماری میانگین، انحراف استاندارد، همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

به منظور اندازه‌گیری روایی سؤالات پرسشنامه ابتدا تعداد 50 پرسشنامه توسط نمونه مورد نظر تکمیل و از طریق آلفای کرونباخ، ضریب روایی سؤالات محاسبه شد تا قابلیت همخوانی گویه‌ها مشخص شود.

### ابزار سنجش

1. پرسشنامه کودک آزاری و ضربه<sup>1</sup> (CTQ): در تحقیق حاضر برای سنجش خشونت خانگی نسبت به دختران از پرسشنامه ضربه کودکی<sup>2</sup> (CTQ) (برنستاین، 1995) استفاده شده است. CTQ یک ابزار خود گزارشی است و برای سنجش آزاردیدگی دوران کودکی به کار برده می‌شود. CTQ آزاردیدگی را در پنج خرده مقیاس اندازه‌گیری می‌نماید و یک نمره کلی نیز به دست می‌دهد که نشانگر بدرفتاری کلی<sup>3</sup> است. پنج خرده مقیاس CTQ شامل خرده مقیاس آزار عاطفی (EA)<sup>4</sup>، خرده مقیاس آزار جسمی (PA)<sup>5</sup>، خرده مقیاس آزار جنسی (SA)<sup>6</sup>، خرده مقیاس غفلت عاطفی (EN)<sup>7</sup> و خرده مقیاس غفلت (PN)<sup>8</sup> می‌باشد. در این پژوهش پرسشنامه کودک آزاری با اقتباس از پرسشنامه تحقیق شهنی ییلاق و میکاییلی (1386) انجام شده است که لازم بذکر است که در این پژوهش خرده مقیاس آزار جنسی حذف گردیده چنانچه در پژوهش شهنی ییلاق و میکاییلی (1385)، نیز به دلیل مسائل فرهنگی و قومی) ماده‌های متعلق به خرده مقیاس خشونت جنسی از پرسشنامه حذف شدند. و در مجموع 40 گویه برای سنجش میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران نوجوان بکار برده شده است. در پژوهش حاضر ضریب پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ به ترتیب، کل کودک آزاری 0/91، خشونت عاطفی 0/87، خشونت جسمی 0/85، غفلت عاطفی 0/70 و غفلت جسمی 0/75 به دست آمد.

<sup>1</sup> -Childhood Trauma Questionnaire (CTQ)

<sup>2</sup> - Multi-stage cluster sampling

<sup>3</sup> -Global Maltreatment Scale

<sup>4</sup> -Emotional Abuse (EA)

<sup>5</sup> -Physical Abuse (Pa)

<sup>6</sup> -Sexual Abuse (SA)

<sup>7</sup> -Emotional Neglect (EN)

<sup>8</sup> -Physical Neglect (PN)

2. پرسشنامه انزوای اجتماعی راسل (UCLA): برای سنجیدن انزوای اجتماعی با اقتباس از مقیاس انزوای اجتماعی (UCLA) راسل و همکاران (1976) در سه بعد روابط خویشان، روابط دوستان و روابط همسایگان در قالب طیف لیکرت 18 گویه که هر یک از ابعاد سه گانه داری 6 گویه می‌باشند مورد سنجش قرار می‌گیرد. و ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده‌اند. 94% برای ابعاد 3 گانه است. این تست، همبستگی بسیار بالایی نسبت به سایر تست‌های تنهایی حمایت اجتماعی، شخصیت و غیره دارد.

همچنین در پژوهش حاضر به منظور تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای سه بعد انزوای اجتماعی به ترتیب: کل انزوای اجتماعی 0/94، روابط با خویشاوندان 0/88، روابط با همسایگان 76%، و روابط با دوستان 73% به دست آمد.

1- روابط با خویشان به این شاخص میزان روابط فکری و عاطفی فرد را با اقوام و فامیل می‌سنجد.

2- روابط محلی همسایگان این شاخص مرکب از روابط همسایگی و روابط معاملاتی محلی است.

3- روابط دوستان این شاخص مرکب از روابط دوستان و آشنایان را با اعضای خانواده می‌سنجد.

4- پرسشنامه چند بعدی ادراک حمایت اجتماعی (زیمت و همکاران<sup>1</sup>) (mspss): حمایت اجتماعی دارای حداقل سه بعد ابزاری، اطلاعاتی و عاطفی است که در این تحقیق صرفاً حمایت اجتماعی عاطفی که میزان برخورداری از محبت، همراهی و توجه خویشان، دوستان و سایر افراد مهم تعریف شده است مورد سنجش قرار می‌گیرد. برای سنجش حمایت اجتماعی عاطفی در این پژوهش با اقتباس از مقیاس چند بعدی حمایت عاطفی ادراک شده زیمت و همکاران (1998) که اولین بار توسط جوشن لو و همکاران (1385) هنجاریابی و ترجمه و مورد استفاده شده است. و ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده آن 92% می‌باشد.

و به منظور سنجش این حمایت از طرف خویشاوندان، دوستان، و دیگران مهم می‌باشد. این مقیاس در قالب طیف لیکرت طراحی شده و متشکل از 12 گویه در سه بعد

<sup>1</sup> -Zimet & et al

خویشان، دوستان و دیگران مهم است که هر یک از ابعاد سه گانه دارای 4 گویه مستقل می باشد.

همچنین در پژوهش حاضر به منظور تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای سه بعد ادراک حمایت اجتماعی به ترتیب: کل حمایت اجتماعی عاطفی 0/81، حمایت خویشاوندان 0/84، حمایت دوستان 0/65 حمایت دیگران مهم 0/75 بدست آمد.

**پایگاه اجتماعی و اقتصادی:** منظور از پایگاه اجتماعی- اقتصادی موقعیت و اعتبار فرد در جامعه و در سلسله مراتب اجتماعی باتوجه به موقعیت مالی و موقعیت اجتماعی که کسب می کند (بیرو، 1380: 381).

در این پژوهش برای سنجش پایگاه اجتماعی - اقتصادی از مقیاس شاخص اجتماعی - اقتصادی دانکن<sup>1</sup> (1986) که پرکاربردترین مقیاس در حوزه پژوهش اجتماعی است استفاده شده است. و سه فاکتور شغل، درآمد و تحصیلات به عنوان مبنا تعیین پایگاه اجتماعی اقتصادی خانواده آزمودنی ها است. آلفای کرونباخ به دست آمده کل پایگاه اجتماعی- اقتصادی 81% می باشد.

**پرسشنامه جمعیت شناختی:** این پرسشنامه برای گردآوری برخی داده های جمعیت شناختی و متغیرهای مستقل پژوهش مانند: سن، جنس، تحصیلات و جمعیت خانوار بکار می رود.

### تعیین اعتبار (validity) ابزار پژوهش و قابلیت اعتماد (reliability)

برای تعیین اعتبار محتوایی (صوری) پرسشنامه ها از نظر داوران و تایید استادان مجرب بهره گرفته شد. هم چنین متغیرهای پیش بین وملاک مطابق جدول شماره (1) از پایایی مناسبی برخوردار بودند.

<sup>1</sup> - Dunkn



جدول 1. نتایج تحلیل پایایی گویه های مربوط به متغیرها

متغیر ها	تعداد گویه	ضریب آلفا
پایگاه اجتماعی-اقتصادی	3	.81
حمایت اجتماعی عاطفی ادراکی	12	.81
انزوای اجتماعی	18	.88
خشونت والدین علیه فرزندان	40	.91
جمعیت خانوار	2	0/81

### یافته های پژوهش

یافته های توصیفی این پژوهش نشان می دهد که میانگین و انحراف استاندارد سن دانش آموز به ترتیب 16/01 و 0/98، سن پدر به ترتیب 46/63 و 7/44، سن مادر به ترتیب 40/21 و 5/98 و جمعیت خانواده به ترتیب 5/56 و 1/67 می باشند. همچنین 35/7 درصد از دانش آموزان دختر در پایه اول، 37/2 درصد از دانش آموزان دختر در پایه دوم و 27/1 درصد از دانش آموزان دختر در پایه سوم می باشند

همچنین یافته های این پژوهش نشان می دهد که در نمونه والدین 38/5 درصد از شرکت کنندگان مرد و 61/5 درصد زن می باشند. همچنین یافته های این پژوهش نشان می دهد 25/3 درصد از پاسخگویان فارس، 37/2 درصد عرب، 31/8 درصد لر، 1/2 درصد کرد و 3/7 درصد ترک می باشند.

میزان تحصیلات پدران و مادران دانش آموزان از بی سواد تا تحصیلات دانشگاهی متغیر می باشند. و به ترتیب 8/3 درصد از پدران بی سواد، 22/4 درصد ابتدایی، 24 درصد راهنمایی و 31/5 درصد دیپلم، 4/9 فوق دیپلم و 8/9 درصد لیسانس و بالاتر بوده اند.

### توصیف متغیر خشونت خانگی والدین نسبت به دختران و ابعاد مختلف آن

جدول 2. میانگین، انحراف استاندارد، کمترین و بیشترین نمره آزمودنی ها در متغیرهای خشونت خانگی والدین نسبت به دختران و ابعاد مختلف آن

متغیر	تعداد گویه	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین
خشونت والدین	40	64/80	17/56	44	141
خشونت عاطفی	12	20/15	8/03	12	53
خشونت جسمی	8	8/01	3/78	6	25
غفلت عاطفی	13	28/19	6/54	17	56
غفلت جسمی	7	8/44	2/74	7	27

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود میانگین و انحراف استاندارد متغیر خشونت خانگی والدین نسبت به دختران به ترتیب " 64/80 و 17/56، متغیر خشونت عاطفی به ترتیب 20/15 و 8/03، متغیر خشونت جسمی به ترتیب 8/01 و 3/78، متغیر غفلت عاطفی به ترتیب 28/19 و 6/54 و متغیر غفلت جسمی به ترتیب 8/44 و 2/74 می‌باشند. همچنین بیشترین تا کمترین متغیر خشونت والدین نسبت به دختران به ترتیب شامل غفلت عاطفی، خشونت عاطفی، غفلت جسمی و متغیر خشونت جسمی می‌باشند.

### آزمون فرضیات

فرضیه اصلی: بین انزوای اجتماعی با میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه معنا داری وجود دارد.

فرضیه 1-1: بین بعد روابط و معاشرت با خویشاوندان با میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه معنا داری وجود دارد.

فرضیه 1-2: بین بعد روابط و معاشرت با همسایگان با میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه معنا داری وجود دارد.

فرضیه 1-3: بین بعد روابط و معاشرت با دوستان با میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه معنا داری وجود دارد.

برای آزمودن این فرضیه‌ها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج در جدول زیر آمده است.

جدول 3. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین انزوای اجتماعی و ابعاد آن با میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران:

متغیر وابسته (خشونت خانگی نسبت به دختران)			متغیر مستقل
تعداد (n)	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی داری (p)	
384	0/24	0/001	انزوای اجتماعی
384	0/29	0/001	- روابط و معاشرت با خویشاوندان
384	0/24	0/002	- روابط و معاشرت با همسایگان
384	0/26	0/001	- روابط و معاشرت با دوستان

همانگونه که در جدول بالا مشاهده می شود، نتیجه آزمون همبستگی پیرسون نشان می دهد که بین کل انزوای اجتماعی با خشونت خانگی والدین به دختران همبستگی مثبت معنی داری وجود دارد ( $r=0/24$  و  $p=0/001$ ).

یعنی هرچه انزوای اجتماعی والدین بالاتر باشد، میزان گرایش آنها به خشونت خانگی نسبت به دختران افزایش می یابد.

همچنین بین بعد روابط و معاشرت با خویشاوندان با خشونت خانگی والدین به دختران همبستگی مثبت معنی داری وجود دارد ( $r=0/29$  و  $p=0/001$ ). ولی بین بعد روابط و معاشرت با همسایگان با خشونت والدین به دختران همبستگی مثبت معنی داری وجود دارد ( $r=0/24$  و  $p=0/002$ ). همچنین، بین بعد روابط و معاشرت با دوستان با خشونت والدین به دختران همبستگی مثبت معنی داری وجود دارد ( $r=0/39$  و  $p=0/001$ ). بنابراین فرضیه های فوق تأیید می شوند.

فرضیه اصلی: بین حمایت اجتماعی عاطفی ادراک شده با میزان خشونت والدین نسبت به دختران رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه 1-2: بین بعد حمایت اجتماعی از سوی خویشاوندان با میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه 2-2: بین بعد حمایت اجتماعی از سوی دوستان با میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه 2-3: بین بعد حمایت اجتماعی از سوی دیگران مهم با میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه معنی داری وجود دارد.

برای آزمودن این فرضیه ها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج در جدول زیر آمده است.

جدول 4. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین حمایت اجتماعی عاطفی والدین و ابعاد آن با میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران

متغیر مستقل	تعداد (n)	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی داری (p)
حمایت اجتماعی	384	-0/414	0/001
حمایت خویشاوندان	384	-0/37	0/001
حمایت دوستان	384	-0/165	0/002
حمایت دیگران مهم	384	-0/39	0/001

همانگونه که در جدول بالا مشاهده می شود، نتیجه آزمون همبستگی پیرسون نشان می دهد که بین کل حمایت اجتماعی با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران همبستگی منفی معناداری وجود دارد ( $r=-0/414$  و  $p=0/001$ ).

یعنی هرچه حمایت اجتماعی عاطفی والدین بیشتر باشد میزان گرایش آنها به خشونت خانگی نسبت به دختران کمتر می شود.

همچنین بین بعد حمایت خویشاوندان با خشونت والدین نسبت به دختران همبستگی منفی معنی داری وجود دارد ( $r=-0/37$  و  $p=0/001$ ). ولی بین بعد حمایت دوستان با خشونت والدین نسبت به دختران همبستگی منفی معنی داری وجود دارد ( $r=-0/165$  و  $p=0/002$ ). همچنین، بین بعد حمایت دیگران مهم با خشونت والدین نسبت به دختران همبستگی منفی معناداری وجود دارد ( $r=-0/39$  و  $p=0/001$ ). بنابراین فرضیه های فوق تأیید می شوند.

فرضیه 3: بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی با میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه معناداری وجود دارد.

جدول 5. نتایج تحلیل واریانس یک راهه برای مقایسه میزان خشونت در گروه های مختلف پایگاه اجتماعی- اقتصادی:

ابعاد پایگاه اجتماعی- اقتصادی	درآمد	تحصیلات	شغل
f مقدار	7/01	3/53	11/84
سطح معنی داری	0/001	0/001	0/001

یعنی هرچه پایگاه اجتماعی- اقتصادی والدین بالاتر باشد، میزان گرایش آنها به خشونت خانگی نسبت به دختران کمتر می شود. نتایج نشان می دهد که بین گروه های مختلف درآمد تفاوت وجود دارد و هر چه میزان درآمد پایین تر باشد، خشونت خانگی والدین نسبت به فرزندان بیشتر است ( $F=7/01$  و  $P=0/001$ ).

نتایج نشان می دهد که بین گروه های مختلف تحصیلات تفاوت وجود دارد و هر چه میزان تحصیلات پایین تر باشد، خشونت خانگی والدین نسبت به دختران بیشتر است ( $F=3/53$  و  $P=0/001$ ).

نتایج نشان می دهد که بین گروه های مختلف شغلی تفاوت وجود دارد و هر چه مرتبه شغلی پایین تر باشد، خشونت خانگی والدین نسبت به دختران بیشتر است ( $P=0/001$  و  $F=11/84$ ).

فرضیه 4 بین جمعیت خانوار و میزان خشونت خانگی والدین نسبت به دختران رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول 6. نتایج تحلیل واریانس یک راهه برای مقایسه میزان خشونت خانگی در خانواده های با تعداد فرزند متفاوت

متغیر	گروه	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار F	سطح معنی داری (p)
نسبت به دختران خشونت خانگی	بین گروه ها	4328/62	6	721/43	2/39	0/001
	درون گروه ها	113811/11	377	301/88		
	مجموع	118139/74	383			

نتایج نشان می دهد که بین خانواده های با جمعیت متفاوت، تفاوت وجود دارد و هر چه تعداد اعضای خانواده بیشتر باشد، خشونت خانگی والدین نسبت به دختران بیشتر است ( $P=0/001$  و  $F=2/39$ ).

همزمان روش به رگرسیون آماری رگرسیون و مشخصه های مدل جدول 7. خلاصه ی

P	t	Beta	B	متغیر های مستقل
<0/05	3/01	0/17	0/357	انزوای اجتماعی - X3

مطابق اطلاعات مندرج در جدول (7) ضریب همبستگی چندگانه برای ترکیب خطی متغیر انزوای اجتماعی با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران در سطح  $p=0/005$  معنادار است. و واریانس مربوط به خشونت والدین نسبت به دختران به وسیله ی متغیر پیش بین تبیین می شود. ضرایب تأثیر متغیر نیز به صورت مستقل در زیر قابل مشاهده است. توجه به مقدار ثابت و ضرایب غیر استاندارد (B) متغیر می توان به معادله پیش بین زیر دست یافت  $Y=48/35 = (x3) 0/17$

نتایج بدست آمده از رگرسیون چند گانه نیز نشان دادند که متغیر انزوای اجتماعی بیش ترین تأثیر را نسبت به متغیرهای دیگر پژوهش، برای پیش بینی بالای متغیر وابسته داشته است.

### بحث و نتیجه گیری:

پدیده خشونت خانگی علیه فرزندان پیوندی تنگاتنگ با ساختارهای فرهنگی-اجتماعی جوامع دارد؛ به عبارت دیگر، در جوامع سنتی، فراوانی و شدت خشونت علیه فرزندان بسیار بیش تر از جوامع توسعه یافته و مدرن است و دلیل این تفاوت را می توان در نفوذ و پیچیدگی ساختارهای شکل گرفته مختلف در جامعه و پذیرش این گفتمان در عرصه های خصوصی و عمومی جستجو کرد. در جوامع سنتی، ارزش های مرد سالار، ارزش های مشروع و غیر قابل انکار است و هر گونه مقاومت در برابر آن به معنای سرپیچی از هنجارها و عرف اجتماعی قلمداد شده، واکنش شدید اجتماعی و عرفی را بر می انگیزاند. در چنین ساختاری، اعمال خشونت خانگی علیه زنان و فرزندان اساساً شکل پنهانی و به عنوان بخشی از واقعیت زندگی اجتماعیشان مشروعیت می یابد؛ در حالی که در جوامع مدرن، به دلایلی نظیر گسترش نهاد های مدنی و فعالیت این نهادها، پیدایش جنبش های اجتماعی مدافع حقوق زنان و کودکان وجود گفتمان های برابری خواه، از فراوانی و شدت خشونت علیه کودکان کاسته شده (به طور کامل از بین نرفته است) و مقاومت و واکنشی بسیار گسترده در برابر این پدیده، که شکلی آشکار یافته، صورت گرفته است.

یافته های تحقیق حاضر نشانگر این واقعیت است که متغیرهای جامعه شناختی در تحلیل خشونت خانگی والدین علیه دختران از اهمیت بسزایی برخوردارند. از جمله مهمترین این متغیرها که در مبانی نظری تحقیق نیز بر آن تاکید زیادی شده است، شبکه روابط اجتماعی والدین است. چگونگی روابط آنها هم در داخل خانواده و هم در بیرون از خانواده نقش اصلی در میزان خشونت و درگیرهای آنها نسبت به فرزندانشان ایفا می کند. همسرانی که به لحاظ روابط زناشویی، روابط با خویشاوندان، روابط با همسایگان و دوستان و روابط با دیگران از رضایت بیشتری برخوردار هستند، کمتر دچار تعارض با یکدیگر و فرزندان در زندگی خود می شوند. و هر اندازه دایره روابط اجتماعی

آنها با خویشاوندان، دوستان و آشنایان گسترده می‌شود، تاثیر مثبتی بر روابط اعضای خانواده می‌گذارد.

در همین راستا رابطه متغیرهای مستقل با میزان خشونت خانگی نسبت به دختران بررسی شد که نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها به شرح زیر ارائه می‌شود:

\* فرضیه اول " نتایج تحقیق نشان داد بین انزوای اجتماعی والدین با خشونت خانگی آنها نسبت به دختران همبستگی معناداری وجود دارد. یعنی هرچه انزوای اجتماعی در بین والدین بیشتر باشد میزان خشونت اعمال شده بر دختران نیز بیشتر می‌شود.

انزوای اجتماعی خانواده‌ها و معاشرت محدود با همسایه‌ها یا دوستان و آشنایان مسأله‌ای است که در جوامع قرن بیستم و هم‌چنین جامعه ما به‌طور روزافزون افزایش می‌یابد. عدم دسترسی به سیستم‌های حمایتی و وجود استرس‌های تحمیل شده، والدین را در معرض فشار مضاعف قرار می‌دهد. در چنین شرایطی با فرزندان به‌عنوان وسیله‌ی در جهت انتقال محرومیت و اضطراب والدین با خشونت رفتار می‌شود.

نتایج یافته‌های این پژوهش هم‌سو با نظریه زیست محیطی است که نشان دادند، انزوای اجتماعی والدین از عوامل تأثیرگذار بر بروز رفتارهای خشونت‌آمیز نسبت به دختران می‌باشد، و نیز با یافته‌های بلسکی (1993)، هاوز و کاج، دیویس (1985): بایرد (1998): ویلیام جی و همکاران (2006): میلنز (1991) منطبق است.

همچنین با نتایج تحقیق خاک رنگین (1388) هم‌سو است، مبنی بر این که والدین آزار رسان در مقایسه با والدین غیر آزار رسان به مراتب روابط اجتماعی کمتری را تجربه می‌کردند.

\* فرضیه دوم " نتایج تحقیق نشان داد بین حمایت اجتماعی عاطفی ادراک شده با خشونت والدین نسبت به دختران همبستگی معنی‌داری وجود دارد. یعنی فقدان حمایت اجتماعی والدین باعث افزایش خشونت علیه فرزندان می‌شود. از جمله مهمترین این متغیرها که در چارچوب نظری تحقیق نیز بر آن تأکید زیادی شده است، حمایت اجتماعی ادراک شده والدین است. چگونگی حمایت عاطفی آنها هم در داخل خانواده و هم در بیرون از خانواده نقش اصلی در میزان خشونت و درگیری‌های آنها نسبت به فرزندان ایفا می‌کند. همسرانی که به لحاظ روابط زناشویی، حمایت خویشاوندان، همسایگان و دوستان حمایت و دیگران از رضایت

بیشتری برخوردار هستند، کمتر دچار خشونت با یکدیگر و فرزندان در زندگی خود می شوند.

نتایج یافته های این پژوهش با نتایج تحقیقات گلس (1972): بلسکی (1993): موس (1986)، صبحائی (1385) : محمدخانی (1378) مبنی بر اینکه هر اندازه دایره حمایت اجتماعی عاطفی آنها با خویشاوندان، دوستان و آشنایان گسترده می شود، تاثیر مثبتی بر روابط اعضای خانواده می گذارد و از خشونت خانگی آنها نسبت به فرزندان می کاهشد.

\* فرضیه سوم "پایگاه اجتماعی-اقتصادی با میزان خشونت والدین بر دختران رابطه معناداری داشت. بطوری که هرچه پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد بالاتر رود میزان خشونت وارده بر فرزندان کاهش پیدا می کند. این یافته نشان می دهد که والدین تحصیل کرده تر برخورد تربیتی بهتری با فرزندان داشته اند. و والدینی که از وضعیت مالی و رفاهی بهتری برخوردارند کمتر فرزندان خود را ازار داده اند.

همچنین این مسأله را از این جهت می توان بررسی کرد که "افرادی که در طبقه پایین تر اجتماعی زندگی می کنند دارای احساس محرومیت نسبی بالاتری هستند (مرتون، 1968) چرا که افراد طبقه پایین در مقایسه خود با افراد مرفه و افراد طبقه بالا دچار احساس محرومیت نسبی می شوند و در تحقیق حاضر هم رابطه معنادار و منفی بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی نیز از یکی از یافته های جانبی تحقیق بوده و بنا بر آنچه ما در فرضیات قبلی گزارش کردیم احساس محرومیت نسبی با میزان گرایش به خشونت خانگی نسبت به فرزندان رابطه مثبت و مستقیم دارد. لذا یک تبیین برای این فرضیه این است که افراد طبقه پایین دارای احساس محرومیت نسبی بالاتری هستند و در نتیجه میزان گرایش به این مسأله را از چندین جهت می توان مورد بررسی قرار داد.

نتایج یافته های این پژوهش هم سو با تحقیقات ویلیام جی (2006): گلس (1872): برگر (2005)، خوشابی و دیگران (1386): تقی خانی (1381): محمدخانی (1378)، است مبنی بر اینکه افرادی که در طبقات پایین جامعه زندگی می کنند دارای احساس محرومیت نسبی بالاتری هستند، و در نتیجه به دلیل مشکلات عدیده مالی و روانی فشار و استرس بیشتری بر آنها وارد می گردد، که سبب بروز رفتارهای خشونت آمیزی نسبت به همسران و فرزندان می گردد.



\* همچنین نتایج نشان داد بین جمعیت خانوار با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران همبستگی معنی‌داری وجود دارد. یعنی هرچه جمعیت خانواده بیشتر باشد میزان خشونت اعمال شده بر فرزندان نیز بیشتر می‌شود.

خانواده‌های شلوغ و پرجمعیت یکی از کانون‌های وقوع کودک‌آزاری محسوب می‌شوند، جمعیت زیاد خانواده هم توجه و مراقبت کافی نسبت به کودکان را محدود خواهد کرد و هم استرس‌های جانبی که ایجاد می‌کند، خطر وقوع کودک‌آزاری را افزایش می‌دهد. نتایج تحقیقات عزیززاده (1385) نشان داد که بین کودک‌آزاری و تعداد اعضای خانوار تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به طوری که 33/3 درصد گروه آزار دیده‌داری خانواده 6 نفری بودند و اکثر 83/3 درصد آزار ندیده‌ها عضو خانواد 4 نفری بودند. این یافته همسو با نتایج تحقیقات (اعزازی (1380): محمدخانی (1378): خوشابی و همکاران (1386) گلس (1972): (کامینگز و دیویس، 2002) بود که براین باورند، که هرچه بعد خانوار بیشتر باشد، خانواده بیشتر درگیر مسائل و مشکلات ناشی از افزایش جمعیت می‌شود و بیشتر دچار کشمکش و درگیری می‌گردد که این امر زمینه بروز اختلاف و خشونت را بارز می‌کند.

بنابراین طبق یافته‌های این پژوهش، آموزش مهارت‌های ارتباط والدین با دوستان، خویشاوندان و همسایگان و دیگران مهم به عنوان یکی از مداخلات روان‌آموزشی بر سایر مداخلات و خدمات مشاوره‌ای افزوده شود.

همچنین آگاه‌سازی و فرهنگ‌سازی در مورد پیامدها و آثار منفی فقدان حمایت اجتماعی از خانواده‌ها، بالاخص خانواده‌های آسیب‌پذیر، که می‌تواند منجر به بروز و ظهور پدیده کودک‌آزاری در سطوح خانواده و جامعه شود، بمنظور پیشگیری و کنترل این آسیب اجتماعی می‌تواند موثر باشد.

در انتها مجدداً اشاره می‌گردد که یکی از مسایل اساسی کشورهای جهان، تأمین سلامتی یا بهداشت عمومی از جمله بهداشت روانی کودکان، از مهم‌ترین افتخارات هر کشور محسوب می‌شود. بنابراین برداشتن هر گامی در جهت ارتقای بهداشت روان باید مد نظر قرار گرفته و بر این اساس سیاستگذاری و برنامه‌ریزی جامع و کاربردی انجام گیرد.

## منابع:

- احمدی، حبیب (1384)، جامعه شناسی انحرافات، تهران، انتشارات سمت
- اسفند آباد، حسن وامامی پور، سوزان (1382)، بررسی میزان رواج همسر آزاری و عوامل موثر بر آن. فصلنامه پژوهش زنان. دوره 1، شماره 5
- اعزازی، شهلا (1380)، خشونت خانوادگی زنان کتک خورده. تهران، نشر سالی.
- انجمن حمایت از حقوق کودکان ایران (1383)، گزارش سه ماهه اول 1383
- انجمن روانشناسی آمریکا (2000)، راهنمای تشخیص و آماری اختلالات روانی. ویرایش چهارم، ترجمه محمدرضا نیکخو و هامایک آوادیس یانس (1381)، انتشارات سخن
- بهاری، رقیه (1385)، بررسی عوامل مؤثر بر کودک آزاری جسمی کودکان دختر و پسر در مراکز مداخله در بحران شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی رودهن
- بیرو، آلن (1380)، فرهنگ علوم اجتماعی؛ ترجمه ی دکتر باقرساروخانی، تهران: انتشارات کیهان. چاپ چهارم
- تقی خانی، شیدا (1381)، بررسی ویژگیهای خانوادگی اقتصادی - اجتماعی، روانشناختی و شیوه های مقابله با استرس والدین کودک آزار. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء
- پورنقاش تهرانی، سید سعید (1384)، بررسی خشونت خانوادگی در خانواده های تهرانی، دو ماهنامه علمی - پژوهشی رفتار دانشور، دانشگاه شاهد، سال دوازدهم، دوره جدید، شماره 13، خاک رنگین، مریم (1387)، عوامل خانوادگی مرتبط با کودک آزاری در آموزش و پرورش منطقه 15 شهر تهران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره 33
- خضروی افلاک فر، (1378)، بررسی عوامل مؤثر بر کودک آزاری جسمی، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- خوشابی، کتابون. حبیبی عسگرآبادی، مجتبی. فرزادفر، سیده زینب و محمدخانی، پروانه (1386)، میزان شیوع کودک آزاری در دانش آموزان دوره راهنمایی شهر تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم.
- زنگنه، محمد (1380)، "بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر خشونت شوهران علیه زنان
- سازمان جهانی بهداشت (1380)، خشونت علیه زنان، به ترجمه ی دکتر شهرام رفیعی و مهندس سعید پارسینیا. انجمن آموزش بهداشت و ارتقای سلامت خانواده. نشر تندیس
- سجادی فرم، ظ. قاسم پور. محمد حسینی، م (1381)، بررسی فراوانی خشونت فیزیکی علیه زنان در مدت بارداری و رابطه ی آن با پیامدهای نامطلوب، رساله دکتری، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران
- صحبائی، فائزه. دواچی، اقدس. نجفی، زهرا (1385)، رابطه عوامل خانوادگی، روانی و اجتماعی بر کودک آزاری در دبستان های دولتی دخترانه تهران. مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، دوره 16، شماره 10).

- شهنی ییلاق و دیگران (1386)، بررسی شیوع کودک‌آزاری و پیش‌بینی سلامت عمومی والدین بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان شهر اهواز، مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز
- عزیززاده، فاطمه (1385)، مقایسه اختلال‌های رفتاری و میزان عزت‌نفس در کودکان آزار دیده و آزار ندیده،
- پایان‌نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران
- فرجاد، محمد حسین (1377)، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، انتشارات بدر
- کاپلان، هارولد. سادوک، بنیامین و گرب، جک (1376)، خلاصه روان‌پزشکی، علوم رفتاری و روان‌پزشکی بالینی. جلد اول، ترجمه نصرت‌الله پورافکاری. تهران، انتشارات شهر آب
- محمدخانی، پروانه (1378)، کودک‌آزاری، شیوع و انواع، ویژگی‌های روان‌شناختی کودکان آزار دیده، کیفیت زندگی و سلامت عمومی والدین. پایان‌نامه دکتری و روانشناسی تربیتی. تهران، دانشگاه علامه طباطبایی
- مدنی (قهفرخی)، سعید. (1383)، کودک‌آزاری در ایران، تهران، نشر اکنون.
- میکاییلی، نیلوفر (1386)، بررسی شیوع کودک‌آزاری و پیش‌بینی این متغیر از طریق سلامت عمومی والدین، سازگاری، عزت‌نفس و عملکرد تحصیلی دانش‌آموز و متغیرهای جمعیت-شناختی در دانش‌آموزان دختر آزار دیده و عادی دوره راهنمایی شهر اهواز، رساله دکتری روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز
- نوروزی، فاطمه (1372)، بررسی پیشینه کودک‌آزاری و بی‌توجهی در دانش‌آموزان 14-18 ساله تهرانی، پایان‌نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی (چاپ نشده)، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران
- نامداری، پریسا (1378)، بررسی میزان شیوع سوءرفتار در دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر خرم‌آباد و تعیین عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به‌داشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران
- همتی، رضا (1382)، عوامل مؤثر بر خشونت مردان علیه زنان در خانواده‌ها. تهران. پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد پژوهشگری، تهران، دانشگاه شهید بهشتی
- Bardi, M. & Tarli, S.M. (2001), A survey on parent- child conflict resolution: intrafamily violence n Italy. Child abuse and neglect. 6, 836- 853.
- Belsky, J. (1993), Etiology of child maltreatment: A developmental ecological analysis. Psychological Bulletin, 114. PP. 413-434.
- Bonger, W., (1916), Criminality and Economic Conditions, Boston, Little, Brown and Company.

- Braithwaite, J.,(1979), *Inequality, Crime, and Public Policy*, London, Routledge & Kegan Paul.
- Brown, J, and Cohen. J. (1998), A longitudinal analysis of Risk factor for child martratctment. *Child abuse neglect* Vol 22. No 11. PP. 1065-1078
- Corse, S., Schmidt, k. and Tricked, P.(1990), Social Network characteristics of mothers in abusing and no abusing families and their relationships to parenting beliefs. *Journal of Community Psychology*, 18, PP.44-59
- Duke, fnacef, A., Belhadj, A.Bouasker, and R. ghachem (2003), violence against women in Arab abd. *Islamic countries archives of women's mental health* vol. 6,pp.1.
- Jacobs, J.(1965), *The Death and Life of Great American Cities*, New York,Vintage
- Marvasti JA (eds). *Child suffering in the world: Child maltreatment by parents, culture and governments in different countries and cultures*. Manchester: Sexual Trauma Center Publication; 2000.
- McLoyd, V.C. (1990), The impact of economic hardship on black families and children: Psychological distressing and socioemotional development. *Child Development*, 61. 311- 346.
- Merton, R., 1938, *Social Structure & Anomie*, *American Sociological Review*, 3, 672-682
- Muller, R.T., Goebel Fabre, A.E.& Diamond, T. (2000), *Social Support and the Relationship Between Family and Community Violence Exposure and Psychopathology among High-risk Adolescents*, *child Abuse and Neglect*, Vol 24, No4.
- Paavilainen, E., Astedt-kurki, P.and paunonen, M. (2000), Adolescent's experiences of maltreatment within the family challenges for family nursing. *Primary Health care Reserch and Development*, 1.PP.235-241
- Peterson, R. D. and Bailey, W. C.,(1988), *Forcible, Rape, Poverty, and Economic Inequality in U.S. Metropolitan Communities*. *Journal of Quantitative Criminology*, 4:99-119

- Resick, R.A and Reese, D.(1986), Perception of family social climate and physical aggression in the home. Journal of Family Violence, 1.PP.71-83.
- Rosenbaum, A., and O'Leary, K. D. (2006), Children: The unintended Victims of marital violence. Am. J. Orthopsychiatry 51(4): 692-699
- Straus, M.A. and Gilles, R.J. (1990), Physical Violence in American Families. New Brunswick NJ: Transaction.
- Schechter, S. & D. Ganley. (1995). "Women and Male violence: The Visions and Struggle of the Battered Women's Movement", Boston: South End
- Scher C, Forde DR, Mc Quaid J, Stein RMB. Prevalence and demographic correlates of childhood maltreatment in an adult community sample. Child Abuse & Neglect. 2004; 28(1): 167
- United Nation (UN)., (1993), Declaration on The Elimination of Violence Against Women. New York, General Assembly Resolution 48/104 of December 1993, (Resolution No. A/RES/48/104).
- William J. Oliver,(2006), Lawrence R. Kuhns and Elaine S.

Archive SID